

Abstract

The class divide has always been one of the problems facing any society, so that governments, by implementing economic programs, cause it to deepen or decrease it in the country. The first step in bridging the class gap is to tackle the initial inequality in the distribution of public opportunities, resources and facilities in favor of the lower deciles of society. The main question of the research is the impact of policies, orientations, and government positions on the class divide in Iran after the Islamic Revolution? According to the research hypothesis, the implementation of policies and orientations of the governments after the Islamic Revolution, especially after the imposed war in (government construction and implementation of the first and second ۵-year development programs in line with structural adjustment and privatization policies), the process of class gap intensification. It started with fluctuations and continued in subsequent governments. In the present study, using the descriptive and analytical method, the performance of governments after the Islamic Revolution in order to measure the impact on the class gap is discussed.

Key words - government policy, class gap, Iran after the Islamic Revolution, development programs.

تأثیر سیاست‌ها مواضع و جهت‌گیری دولتهای بعد از انقلاب اسلامی بر شکاف طبقاتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۰

فرامرز نعمتی میری^۱رضا شیرزادی^۲

چکیده

شکاف طبقاتی همواره یکی از معضلات پیش روی هر جامعه بوده است. به طوری که دولتها با اجرای برنامه‌های اقتصادی موجب عمیق‌تر شدن و یا کمتر شدن آن در کشور شده‌اند. در اولین گام برای رفع شکاف طبقاتی تحقق مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت‌ها منابع و امکانات عمومی به نفع دهک‌های پایین جامعه است. سوال اصلی تحقیق عبارت است از تأثیر سیاست‌ها جهت‌گیری‌ها و مواضع دولتی بر شکاف طبقاتی در ایران بعد از انقلاب اسلامی چه بوده است؟ بنا به فرضیه تحقیق اجرای سیاست‌ها و جهت‌گیری دولتهای بعد از انقلاب اسلامی به ویژه پس از جنگ تحمیلی در (دولت سازندگی و اجرای برنامه‌های توسعه پنج ساله اول و دوم در راستای سیاستهای تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی) روند تشدید شکاف طبقاتی با نوساناتی شروع شد. و در دولتهای بعدی ادامه یافت. در پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی و تحلیلی عملکرد دولتها بعد از انقلاب اسلامی در راستای سنجش میزان تأثیرگذاری بر شکاف طبقاتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: "سیاست‌گذاری دولتی"، "شکاف طبقاتی ایران بعد از انقلاب اسلامی"، "برنامه‌های توسعه"

^۱دانشجوی دکتری علوم سیاسی^۲استاد راهنما

مقدمه و بیان مسئله

شکاف طبقاتی از جمله مواردی است که همواره از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان یکی از مهم ترین معضل های سیاسی اجتماعی و اقتصادی محسوب شده است. در همین راستا تحقیقات مفصلی درباره شکافهای طبقاتی و تأثیرات سیاستگذاریهای دولتی بر این فرایند صورت گرفته است. و تأثیر نوع حکومتها و نظامهای سیاسی و برنامه های آنها بر اختلافات طبقاتی بررسی شده است. باید دانست برنامه ها و جهت گیریهای متفاوت دولتها در به وجود آمدن طبقات بالا دست طبقه متوسط و طبقه پایین و محروم یا کم برخوردار یا فاقد برخوردار تأثیرات مستقیم داشته است. شکاف طبقاتی به گروه بندی های افراد و نابرابری در تملک و کنترل منابع مادی بستگی دارد. و پایه های اصلی اختلافات طبقاتی تفاوت در ثروت و شغل است. برای واکاوی این فرایند و چگونگی به وجود آمدن این طبقات در مرحله اول با نگاهی به تاریخچه طبقات و نحوه شکل گیری معضل شکاف طبقاتی باید به سیاستگذاری و مطالعات سیاسی دولت و نهادهای سیاسی بپردازیم. شناخت اهداف دولت و وظایف آن در هدایت شهروندان به زندگی بهتر نقش بسیار مهمی دارد. به طور کلی آنچه بیش از حد بر شکاف طبقاتی تأثیر دارد سیاست های قوه مجریه (دراجر) قوه مقننه (در قانونگذاری) و قوه قضاییه (در نظارت بر اجرا) می باشد. این سیاست ها قاعدتا باید در راستای منفعت عمومی اثربخشی کارایی و سازگاری با جامعه با رعایت انصاف و برابری برای کلیه طبقات اجتماعی دنبال شود. این مقاله موضوعاتی نظیر نظام توزیع نامتعادل در حوزه قدرت رفاه و منزلت تا بی عدالتی و نابرابری در چارچوب برنامه ها و جهت گیری اقتصادی و سیاسی اجتماعی دولتهای بعد از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار میدهد.

۱- چارچوب نظری

۱-۱- **شکاف اجتماعی:** کلمه شکاف نسبت به واژه های انشعاب از محدوده خاص تری برخوردار است. تعارضات و ستیزها تعبیری عام تر از مفهوم شکاف است. برخی از جامعه شناسان به جای شکاف از تعارض و تضاد و ستیز های اجتماعی سخن گفته اند (بشیریه، قاضیان، ۱۳۹۴: ۳-۸) شکاف اجتماعی در واقع تعیین کننده نقاط تفاوت و افتراق افراد و گروه های گوناگون یک جامعه درباره ارزش ها ایدئولوژی ها دیدگاه های سیاسی خواسته ها و مطالبات در اولویت طبقه اجتماعی و جایگاه افراد اجتماعی را که دارند می باشد. مفهوم شکاف اجتماعی به عنوان خطی در نظر گرفته می شود که دو طرف گروه افراد ی که بر روی برخی مسائل توافق ندارند از هم جدا می کند. نقطه آغاز شکاف اجتماعی انشعاب بین گروه های اجتماعی است که از تفاوت در موقعیت اجتماعی و منافع جمعی و فردی اختلاف در ویژگی های عمومی فرهنگی اقتصادی و اجتماعی و اختلاف در مواضع و ارزش های آن ناشی می شود. شکاف اجتماعی گسست و برخورد اجتماعی است که به برخی مظاهر اختلاف و عدم تناسب و ساختاری در جامعه برمی گردد. شکاف اجتماعی به واسطه گروههایی که منافعشان به شکل ریشه ای در تعارض با یکدیگر است توسعه پیدا می کند. این روند به کسب خودآگاهی و ارزش های خاص برای افراد متناسب به هر یک از این گروه ها می انجامد (عبدالعالی، ۱۳۹۱: ۱۸) شکاف تقابلی است که گذرا نیست و برخاسته از تضادها و تغذیه تبعیض های موجود در بطن و متن جامعه می باشد. منشاء اصلی شکاف ها غالباً حوادث مهم تاریخی تمایزات و تفاوت های پایدار یک جامعه هستند که در اثر حوادث بزرگی چون انقلاب یا نوسازی و یا سیاست ها و برنامه های نادرست یک دولت تضادهای عمیقی در یک جامعه ایجاد می شود. شکاف ها به

عام‌ترین شکل آن شکاف ناگسستنی عمده در اجتماعی مدرن و سنتی شکاف‌های قومی و مذهبی شکاف‌های جنسی شکاف‌های نسلی شکاف‌های دیجیتالی و شکاف‌های طبقاتی.

۱-۲- شکاف طبقاتی: شاید این نوع شکاف را بتوان بدترین نوع شکاف در یک جامعه دانست چرا که شکاف طبقاتی زمینه‌ساز سایر شکاف نیز خواهد شد و در همه حوزه‌ها از جمله اجتماعی سیاسی فرهنگی و غیره نفوذ خواهد کرد. شکاف طبقاتی به نوعی شکاف گفته می‌شود که در جامعه نوعی قشربندی صورت می‌گیرد که اصطلاحاتی همچون شمال و جنوب بالا و پایین به وجود می‌آید. در واقع شکاف طبقاتی به شکافی گفته می‌شود که میان دو طبقه جامعه به وجود می‌آید و افراد به خاطر عدم دسترسی از یک سری مزایا در جامعه محروم می‌شوند و این تبعیض بیشتر متوجه قشر پایین جامعه است. هنگامی که منابع عمده اجتماعی و اقتصادی و ابزار قهریه در دست یک گروه قرار داشته باشد سیستمی از قشر بندی و سلسله مراتب به وجود می‌آید استفاده از امتیازات و مزایای این سیستم احتمال افزایش موقعیت برتر و کنترل بیشتر بر منابع و فرصت‌ها را برای یک قشر فراهم می‌آورد و در نهایت در سطح خرد و کلان اجتماعی منجر به افزایش قدرت و برتری یک طبقه در رابطه با طبقه دیگر می‌گردد. شکاف‌های طبقاتی معمولاً در فرآیند پرشتاب اجرای برنامه‌های توسعه یا به دنبال سیاست‌های ایجاد رفاه به خصوص در کشورهایی که از منابع انرژی برخوردارند به وجود می‌آیند. در تحقیقات نشان داده شده است که سیاست‌های کلان اقتصادی که موجب تورم و نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری شده به عنوان یکی از عوامل نابرابری درآمدی عمل کرده است. در این تحقیقات تورم و بیکاری را دو عامل انتقال ثروت از دهک‌های پایین جامعه به دهک‌های بالا در اقتصاد کشور معرفی کرده است. در تحقیقی دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دلایل فقر پایدار و توزیع نامناسب درآمد در ایران عدم توجه به فراگیری رشد اقتصادی پایین بودن تحرک درآمدی در دهک‌های پایین درآمد پایین شاغلان ضعف در ساز و کارهای نظارتی اثربخشی در طرح‌های حمایتی و اشتغال زائی دسترسی نامتوازن به تسهیلات بانکی مهاجرت نامناسب و برنامه‌ریزی نشده درون کشور و بالا رفتن نرخ شهرنشینی افزایش ناگهانی و بی‌رویه نرخ ارز و تورم حاصل از آن را در کشور عنوان کرده است. این نوع شکاف را معمولاً با ضریب جینی مشخص می‌کنند. ضریب جینی میزان نابرابری بر اساس منحنی لورنز محاسبه و به صورت یک عدد ارائه می‌گردد. ضریب جینی یک واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزش بین صفر و یک دارد. هر چه عدد ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد برابری درآمد را مشخص می‌کند. و اگر ضریب جینی برابر با عدد صفر باشد یعنی همه درآمد و ثروت یکسان دارند اگر برابر با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق به گونه‌ای که تنها ثروت کشور در دست یک نفر است و مابقی هیچ درآمدی ندارند. معمولاً دو عدد مطلق در هیچ کشوری تحقق نمی‌یابد فصل شاخص در بعضی دیگر نزدیک به ثروت از بعضی کشور نزدیک به یک و و یا در نمونه‌هایی میان این دو است ضریب جینی را به راحتی می‌توان با سراسر کشور مقایسه کرد و چگونگی تغییرات درآمدی بین فقیر و ثروتمند را نشان داد. (جلالی، ۱۳۸۷: ۳-۵) با این اوصاف سه عامل مهم در شکاف طبقاتی در جامعه تأثیر بسزایی دارد. توزیع درآمد، رانت و تورم ساختگی

۱-۲-۱- توزیع درآمد: توزیع درآمد از مباحث مهم اقتصادی و یکی از دغدغه‌های نخبگان جوامع و اقتصاددانان بوده است و در اکثر کشورهای در حال توسعه که با رشد اقتصادی بالایی دارند همواره مد نظر می‌باشد. سال‌های انتهایی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم را می‌توان شروع مطالعات علمی در خصوص تعیین تعداد فقرا و مشخص کردن خط فقر در جوامع به حساب آورد که در کنار دیگر عوامل نقش بسزایی در پیدایش دولت رفاه اندیشه تامین اجتماعی و سیاست‌های فقرزدایی داشته است. توزیع درآمد ارتباط نزدیک با مفهوم رفاه دارد و رفاه مفهومی است که با احساس ادراک و تجربه ارتباط دارد. (شکوهار، ۱۳۹۵: ۹-۵) مفهوم رفاه با شرایط تجربی و کارکردی می‌توان آن را در قالب بحث توزیع درآمد تحلیل کرد. بدیهی است که انواع درآمد ایجاد شده از اقتصاد چون دستمزد بهره و سود باید به نوعی بین واحدهای اقتصادی جامع توزیع شود که با ساماندهی مناسب توزیع درآمد در جهت کاهش نابرابری و افزایش رفاه عمل کند. دولت‌ها جهت توزیع مطلوب درآمدها از ابزارهای متفاوتی چون انواع هزینه‌های دولتی و مالیات‌ها استفاده می‌کنند و اجرای هرگونه سیاست مالی می‌تواند آثار متفاوتی بر توزیع درآمد بر جای بگذارد. توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از این رو یکی از وظایف اقتصادی دولت توزیع مناسب درآمد و ثروت است. سیاست‌های مالی دولت می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمد موثر باشد دولت می‌تواند به نحوه توزیع مجدد درآمدها را تنظیم نماید که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود یعنی فاصله طبقاتی و فاصله درآمدی بین گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق اعمال مالیات‌ها یا برقراری هزینه‌های انتقالی دولت مثل سوبسیدها مالیات‌های منفی کمک‌های بلاعوض یا افزایش تسهیلات مالی برای افراد کم‌درآمد باشد. توزیع درآمد حالت‌های متعادلی دارد ۱- توزیع درآمد بازار یکی از مهمترین انواع توزیع است.

۲- توزیع درآمد قبل تصرف مانند آموزش و خدمات بهداشتی و یا خدمات دولتی شامل خدمات زیربنایی

۲-۲-۱- رانت: رانت به معنای بهره مالکانه کرایه و اجاره در واقع در آمدی که از مواهب طبیعی به دست می‌آید. رانت‌جویی فرایندی است که طی آن یک فرد نهاد یا گروه صاحب اطلاعات فرصت‌ها و امتیازهایی می‌شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت تا به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی فرهنگی و اجتماعی دست می‌یابند. در این مفهوم در رانت نوعی ارتکاب به فساد نهفته است و این استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره ندارند و یا درآمدهایی که برای حرکت از منابع خارجی تامین می‌گردد مانند درآمدهای نفتی برای کشورهای صادر کننده نفت تامین می‌گردد. از دیدگاه دیگر رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی است بدون آنکه مالک برای دریافت این درآمد کمک به تولید اجتماعی کرده باشد. درآمدی خارج از فعالیت‌های مولد اقتصادی است. با توجه به تعاریف گذشته در یک جمع‌بندی کلی رانت نوعی درآمد حاصل از منابع طبیعی یا اهدای طبیعت به انسان می‌باشد که ثروت به دست آمده ناشی از فعالیت و نقش انسان نیست بلکه انسان تنها استخراج کننده و استفاده کننده از مزایای آن پس از استخراج است. این منابع ممکن است معادن زمین نفت و گاز باشد. این نوع درآمد از طریق مشارکت عامل تولید در فعالیت اقتصادی بلکه به

واسطه داشتن قدرت سلب اختیار از دیگران امکان‌پذیر است. رانت با توجه به منشاء ایجاد کننده آنها می‌توان به گروه‌های مختلف اقتصادی سیاسی اجتماعی و اطلاعاتی تقسیم‌بندی کرد:

۱- **رانت اقتصادی:** ناشی از برخی عوامل اقتصادی مانند منابع طبیعی محدودیت‌های بازرگانی سیاست‌های حمایتی کنترل قیمت‌ها چندگانگی نرخ ارز تخصیص سهمیه های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبار دولتی است. ۲- **رانت سیاسی:** یکی از پیامدهای فساد سیاسی در هر جامعه است. هر دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند و در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل می‌شوند و امتیازی را به یک فرد یا گروه خاص بدهند یک رانت سیاسی برای آن فرد یا گروه خاص شکل می‌گیرد.

۳- **رانت اجتماعی:** برخورداری از برخی امتیازات ویژه ی خارج از صلاحیت های فردی و شایستگی های ذاتی برخی از افراد نصیب آنها می‌شود. رانت اجتماعی حاکی از برخورداری افراد یا گروه های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارد و منجر به انباشت ثروت نزد عده‌ای محدود از افراد جامعه می‌شود. برخورداری از رانت اجتماعی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گاهی افراد با استفاده از موقعیت شغلی خود از فرصت‌هایی برخوردار می‌شوند گاه روابط خویشاوندی یا قرار گرفتن در یک تشکل یا گروه خاص و یا اعمال نفوذ سیاسی در تصویب برخی قوانین باعث می‌شود برای عده ای رانت اجتماعی پدید آید.

۴- **رانت اطلاعاتی:** دستیابی زود هنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه سیاست‌های بازرگانی پولی و ارزی بازار سهام امور مالی و طرح‌های عمرانی منشاء یکی از مهمترین انواع رانت است. عده ای از افراد با به دست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب‌الوقوع در قوانین و مقررات سیاست‌ها و تصمیم‌گیری های جدید در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند که به ثروت هنگفت دست می‌یابند دستیابی زیرکانه به اطلاعات صحیح خود موجب شکل‌گیری رقابت ناسالم اقتصادی می‌شود.

۳-۲-۱- **تورم:** تورم ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به صورت مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. در تعریف تورم عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. بدین معنی قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشد. اگر قیمت‌ها در یک دوره خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود به این فرآیند تورم اطلاق نمی‌شود چرا که افزایش صعودی در قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد. (مهرآرا، ۱۳۹۵: ۱۵-۳) در میان اقتصاد دانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علت ایجاد کننده تورم وجود دارد که هر گاه حجم پول در اقتصاد بالا رود قیمت‌ها نیز به همان نسبت افزایش خواهد داشت. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها به این صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود که در اقتصاد نسبت به مقداری که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است اضافه پول به وجود آید. ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجایی که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت می‌باشد سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا این که ذخایر اضافی از بین برود. وجه اشتراک نظریه‌پردازان متفاوت منشاء اصلی تورم را عامل موثر فزونی تقاضا نسبت به عرضه می‌دانند. در اقتصاد ایران عوامل ساختاری زیادی را می‌توان برشمرد که در بروز تورم موثرند از جمله رشد

نامتوازن بخش‌های مختلف اقتصادی وابستگی تولیدات داخلی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی افزایش بیش از حد سهم بخش خدمات در درآمد ملی بدان جهت که بیشتر تقاضا ایجاد می‌نماید و کمتر بر عرضه کالا می‌افزاید. وابستگی درآمد دولت به درآمدهای نفتی یکی دیگر از عوامل ساختاری تورم در اقتصاد در ایران است. این وابستگی منجر شده است تا سیاست‌های مالی عملاً از شرایط بازار جهانی نفت و تحریم‌ها تبعیت نماید. به عنوان مثال در صورت کاهش قیمت جهانی نفت یا تحریم خرید نفت از طرف کشورهای خارجی دولت با کسری بودجه روبرو می‌شود و برای تامین این هزینه‌ها ملزم به استقراض می‌باشد. این امر منجر به افزایش خالص بدهی دولت ورشد نقدینگی و ایجاد تورم می‌شود. به عبارتی دیگر تعداد زیادی از علل تورم در اقتصاد ایران ریشه در ساختار اقتصادی کشور دارد (حسین عبدالی، ۱۳۹۵: ۲۷) آثار اقتصادی اجتماعی تورم به دو صورت متبلور می‌شود.

الف: گروه‌های اجتماعی که از تورم متضرر می‌شوند.

۱- دارندگان درآمدهای ثابت یعنی مزد و حقوق‌بگیران که مزد و حقوقشان در جهت سیر قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد و یا اگر افزایش یابد با تاخیر است و از تورم ضرر می‌کنند.

۲- پس‌لندازکنندگان به ویژه پس‌لندازکنندگان خورده پایه که پول‌های صرفه‌جویی شده خود را برای روزهای سخت زندگی ذخیره می‌کنند ارزش پس‌اندازهایشان کم می‌شود بدون آنکه وسیله‌ای برای دفاع از آن را داشته باشند.

۳- علاوه بر طبقات کم درآمد طبقه متوسط نیز از تورم ضربات سنگین می‌خورد این طبقه از جامعه که بر اثر کار سخت و تحمل فرسای موفقی به صرفه‌جویی شده‌اند در دوران تورم مزمن در موقعیت نامیدانه قرار می‌گیرند هزینه زندگی که به نحوه غیر متناسب با درآمدهایشان بالا می‌رود. و پس‌اندازهایشان کم ارزش می‌شود جامعه با خطر تضعیف طبقه متوسط استخوان بندی یک جامعه را تشکیل می‌دهند مواجه می‌گردد. (قدیری اصل، ۱۳۷۸: ۸۷)

ب: گروه‌های اجتماعی که از تورم منتفع می‌شوند عبارتند از:

۱- دارندگان درآمدهای متغیر اعم از صاحبان صنایع کارفرمایان صنعتگران واسطه‌ها فروشگاه‌های بزرگ و کوچک زمینداران دارندگان ارز و طلا و همه گروه‌های اجتماعی که درآمدهایشان به تناسب افزایش قیمت افزایش می‌یابد و می‌توانند محصولات موجود در انبار خود را برای به دست آوردن سود بیش‌تر گرانتر بفروشند از تورم منتفع می‌گردند.

۲- دولت نیز از تورم منتفع می‌شود زیرا مبلغ اسمی حقوق و مزدهای که به کارمندان و کارگران و مستخدمین وزارتخانه‌ها و ادارات و بنگاه‌های بخش عمومی می‌پردازد و قرض‌هایی که از بانک‌ها و دیگر منابع عمومی و خصوصی به ویژه از بلنک مرکزی گرفته با همان مبلغ اسمی و با ارزش تنزل یافته بازپرداخت می‌کند.

۲- ساختار اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی

سیاست‌های دولت در زمینه شکاف طبقاتی مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی و نابرابری در توزیع درآمد در دوره بعد از انقلاب به استناد قانون اساسی راهبردهای دوگانه جمهوری اسلامی مشخص شده است. ۱- راهبرد امحای نظام سرمایه داری و ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر عدل و قسط طبقات ایجاد شده است.

۲- بر پایه گسترش عدالت توزیعی از طریق آموزش و بهداشت رایگان توجه به توسعه روستایی برپایه گسترش نظام تامین اجتماعی و کمک‌های حمایتی دولت در کاهش فقر و بهبود محیط کسب و کار و فراهم ساختن زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور و اعتلای رشد اقتصادی و توانمندسازی فقرا ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آنها برنامه‌ریزی شده است. (هادی زنوز، ۱۳۸۵: ۲۰-۷) یکی از علل نارضایتی مردم از رژیم پهلوی توزیع ناعادلانه و رشد سریع اقتصادی و بی‌عدالتی اقتصادی و اجتماعی بود و در همین راستا در قانون اساسی جمهوری اسلامی پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه و رفع شکاف طبقاتی و برطرف کردن هر نوع محرومیت مورد توجه قرار گرفت.

دولت ایران در دهه اول انقلاب به سمت سیاست‌های اقتصادی حرکت کرد که می‌توان از آن‌ها به سیاست‌های بازتوزیعی تعبیر کرد. بخشی از استدلال‌ات کلی انقلاب این است که حرکت دولت‌های انقلابی به سمت سیاست‌های بازتوزیعی از خصلت‌های عمومی و تا حدی ساختاری آنها محسوب می‌شود. همچنین آنگونه که برخی جامعه‌شناسان سیاسی استدلال می‌کنند دخالت دولت در ساخت اقتصادی و حرکت به سمت سیاست‌های توزیعی می‌تواند موجب برخی تحولات در ساخت دولت شود. حرکت دولت پس از انقلاب به سمت سیاست‌های توزیعی در دهه اول انقلاب از خصلت‌های عمومی و تا حد ساختاری دولت پس از انقلاب محسوب می‌شود. (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴) از همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی تصمیمات اقتصادی مهمی از سوی دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی که در غیاب مجلس قانونگذاری و وظایف آن برعهده داشت گرفته شد. بخش اعظم این تصمیمات ناظر بر خلع ید اقتصادی از بخش خصوصی و سپردن مالکیت و مدیریت بنگاه‌ها به بخش دولتی بود این رفتار حکایت از نفوذ عمیق اندیشه‌های چپ‌گرایانه در میان نیروهای هوادار انقلاب اسلامی داشت نیروهایی که در کل نظر مساعدی نسبت به مالکیت خصوصی و بخش خصوصی نداشتند و حتی جناح‌های تندرو آشکار نابودی سرمایه‌داری را یکی از اهداف اصلی انقلاب می‌دانستند. کنار نهادن بخش خصوصی و دولتی کردن اقتصاد به بخش معینی از فعالیت‌ها محدود نمی‌شد بلکه همه حوزه‌ها حتی فعالیت‌های صنفی بخش خصوصی را در بر می‌گرفت. از نخستین تصمیمات مهم اقتصادی شورای انقلاب ملی کردن یا در واقع دولتی کردن کل نظام بانکی کشور قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران قانون ملی کردن موسسات بیمه و موسسات اعتباری اقدام بعدی پس از ملی کردن بانک‌ها تعیین تکلیف واحدهای تولیدی بزرگ بود. قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران رعایت نظام اسلامی در مورد حقوق کار خروج اقتصاد ایران از وابستگی به نفت و احراز استقلال از طریق تولید نیازهای داخلی تا سرحد خودکفایی درکشور بود. موضوعات اقتصادی مطرح در قانون اساسی مصوب آذر ماه ۱۳۵۸ در فصل چهارم اصول ۲۹ و ۳۰ و ۴۳ تا ۵۵ آمده است اما دو اصل ۴۳ و به ویژه ۴۴ بیشترین تأثیر را در سرنوشت بعدی اقتصاد کشور به جا گذاشته است اصل ۴۳ در واقع وضع آرمانی جمهوری اسلامی را ترسیم می‌نماید (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۷۵). اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی بیکاری پیری از کار افتادگی بی‌سرپرستی در راه ماندگی حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای

عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی و فوق را برای تک تک افراد کشور تامین کند.

براساس اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است و سایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. (داود آبادی، ۱۳۹۵: ۲۱) در اصل چهل و سوم برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی اوست. در همین اصل می‌توان حضور دو شیوه تفکر متفاوت و حتی متضاد را ملاحظه کرد: از یک طرف این است که این تفکر القا می‌شود که گویا دولت جمهوری اسلامی ایران مسئولیت کل نظام اقتصادی و هدایت آن را بر عهده دارد و از طرفی دیگر تاکید بر این است که دولت نباید تبدیل به کارفرمای بزرگ مطلق منبع تامین استقلال اقتصادی کالاهای اساسی ایجاد اشتغال کامل و غیره شود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در قانون اساسی فقر و محرومیت یک امر طبیعی یا اجتناب ناپذیر تلقی نشده است بلکه مهندسی اجتماعی و دخالت در ساز و کار اقتصادی برای رسیدن به عدالت اجتماعی ضروری تلقی شده است. جمهوری اسلامی خود را متعهد به تحقق اهداف توسعه و فقرزدایی که یکی از محورهای کلیدی آن است کرده است. بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوان و گسترده در جهت بهسازی وضعیت فقرا به عمل آمد و از طرفی توجهات به سمت کم کردن توزیع ناعادلانه درآمد معطوف شد توزیع درآمد نسبت به قبل از انقلاب عادلانه‌تر شده است و شکاف طبقاتی کمتر شده است شاخص‌های توزیع درآمد ضریب جینی و ضریب شکاف طبقاتی روند روبه بهبود داشته‌اند. دهک‌های پایین درآمدی طی سال‌های بعد از انقلاب سهم بیشتری از درآمد ملی را به خود اختصاص داده‌اند.

۳- دهه اول انقلاب: دولت وقت در سال‌های اولیه پس از انقلاب توانست در زمینه کنترل مصرف و کمک به تامین حداقل‌های مصرفی برای قشرهای وسیع مردم از طریق عرضه نسبتاً ارزان و یارانه‌ای پاره‌ای از کالاهای اساسی و ایجاد نظم نسبی در زمینه توزیع کالاهای بادوام خانگی تلاش‌های خوبی انجام دهد. دولت این سال‌ها با ایجاد محدودیت‌های اساسی در عرضه پاره‌ای از کالاهای مصرفی اقبال ثروتمند الگوی مصرفی این گروه را تا حد کنترل کند. (زند و کیلی، ۱۳۹۷: ۱۹).

دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران بهبود چشمگیر توزیع درآمدها و ثروت‌ها در کشور است. سمت‌گیری شورای انقلاب اسلامی در زمینه ملی کردن بانک‌ها تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران تصویب قانون جدید زمین. یادگاری‌های دولت شهید رجایی در زمینه به حداقل رساندن فاصله میان حداکثر و حداقل حقوق و مزایای پرداختی به کارکنان دولت برقراری سیستم سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و طرح برجسته شهید رجایی طرح ۶۰ ساله با اضافه الزام‌های قانون اساسی در این زمینه مانند از بین بردن انحصارهای خصوصی ممانعت از ورود بخش خصوصی در زمینه برخی فعالیت‌های به غایت سودآور و مسئولیت‌های جدید دولت در زمینه مسکن آموزش و بهداشت تمامی آحاد جامعه بود. (مومنی، ۱۳۹۷: ۱۹-۲۳) اما نوسانات قیمت نفت و طبقات بالای گروه‌های مصرفی مشکل اصلی فراروی سیاست‌های دولت بود با وجود این موانع و مشکلات اقتصاد کشور به یاری جریان مستمر صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن توانست از بروز کمبودهای غیرقابل تحمل تورم از شیوع و فقر و فساد و تبعیض جلوگیری کند. حتی در زمان جنگ غذا و سایر مایحتاج اولیه زندگی در حد قابل قبول یافت می‌شد. هیچگاه قطعی

روی نداد نرخ تورم خیلی بالا نرفته کارشناسان سازمان ملل خسارت ناشی از جنگ را ۹۷ میلیارد ریال تخمین زدند و کارشناسان داخلی آن را هزار میلیارد برآورد کردند. اما دولت علیرغم هزینه سنگین جنگ از توسل زیاد به استقراض خارجی تن نداد. کسری بودجه با تقلیل پرداخت‌های غیرضروری در حد پایین کنترل می‌شد. اثرات نامطلوب تورم بر روی حقوق‌بگیران و اقشار آسیب پذیر با سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای جیره بندی و توزیع مستقیم کالاهای اساسی جبران گردید. دولت توانست نظام اجتماعی را به سمت هرچه عادلانه تر شدن درآمدها و ثروت‌ها به پیش بردند و تقریباً همه آنان تا پایان جنگ تحمیلی پابرجا و استوار باقی ماندند.

۴- دوره سازندگی

رویکرد اقتصادی: خسارت و خرابی‌ها ناشی از جنگ افزایش جمعیت نزدیک به دو برابر سقوط قیمت نفت از جمله عواملی بود که منجر به بحران اقتصادی در دوران جنگ شدند. پس از جنگ خرابی‌ها و مشکلات مالی و مادی نابودی مراکز تولید و کاهش سرمایه‌های ملی و محاصره اقتصادی نابسامانی‌های اقتصادی تعقیب و بی‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد. بدیهی بود که پس از جنگ الزامات سیاست خارجی و داخلی پایان پذیرد و الزامات اهداف دیگری جایگزین سیاست‌های اقتصادی و جهت‌گیری‌های دولت در کشور گردد. با به قدرت رسیدن دولت هاشمی که معتقد بود باید تفسیرهای جدیدی از اسلام و اصول قانون اساسی ارائه نمود که با مقتضیات زمان هماهنگ شد فضای اقتصادی ایران تغییر یافت. (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۷: ۱۷) دولت جدید شعار توسعه محوری و سازندگی را برای خود برگزید تلاش نمود بازسازی کشور را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد. جهت‌گیری دولت سازندگی عدم تعهد اصلاح طلب معرفی شد. اهداف ملی در این دوره شامل توسعه‌گرایی اقتصادی عادی‌سازی روابط و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی بود. در این دوره به سبب اینکه جمهوری اسلامی ایران در صدد ایفای نقش‌هایی چون دولت توسعه یافته دولت سرمشق قدرت منطقه‌ای و غیره بود توسعه اقتصادی به عنوان کانون اقدامات دولت قرار گرفت و در واقع پس از پایان جنگ و منافع قدرت ملی در حوزه اقتصاد و دفاعی بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک اولویت پیدا کرد. به‌گونه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی به عنوان اولویت اول سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در آمد. هاشمی رفسنجانی اعلام کرد ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم (خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۹) این دوران سر آغاز فصل تازه‌ای در اقتصاد ایران بود و سپس برای دولت خود عنوان سازندگی را برگزید. منظور از سازندگی سیاست‌های جدید و برنامه‌های تعدیل اقتصادی بود که دولت آن را در پیش گرفته بود

مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دوره اول و دوم دولت هاشمی

الف- تعدیل اقتصادی: تعدیل اقتصادی نوعی سیاست اقتصادی است که در آن دولت‌ها برای رسیدن به اهداف موردنظر که همان برقراری تجارت آزاد از میان برداشتن تعرفه‌ها و محدودیت‌های واردات باز گذاشتن درهای اقتصادی به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی رفع محدودیت‌های دولتی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی‌سازی موسسات دولتی و تنظیم مقررات به این منظور تخصیص منابع به جای دولت به وسیله بازار صورت گیرد افزایش دادن قیمت‌ها به سطح قیمت‌های بازار حذف و کنترل

قیمت‌ها و نظام جیره‌بندی حذف یارانه‌ها کاهش کارکنان اضافی کاستن قوانین دولتی نظیر قانون حداقل دستمزدها کاهش دخالت دولت در نظام مالی کاستن محدودیت‌هایی که دولت به بانکها تحمیل می‌کند تغییر نظام مالیاتی خواستن یا حذف مالیات‌های کالاها یا صادراتی درمان کسری تراز پرداخت‌ها و تورم از طریق کاهش تقاضای داخلی یعنی مهار رشد عرضه پول کاهش مخارج دولتی کاهش رسمی ارزش پول ملی و افزایش نرخ‌های حقیقی و بهره تثبیت کالاها با افزایش بهره‌وری در بخش تولیدی اصلاحات در نحوه برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت است (مهرگان احمدی، ۳۸۴: ۷) تعدیل اقتصادی بیشتر در دهه ۱۹۷۰ از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کشورهای آمریکای لاتین تجویز شد که بعد از چند سال در ایران نیز به اجرا در آمد. با اجرای سیاست تعدیل ساختاری کشورها می‌توانستند از وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بهره‌مند شوند. خبرگزاری دانشجو (۱۳۹۲) اقتصاد کلان snn.ir (۱۴۰۰). برنامه اول توسعه اقتصادی با تأثیر از رویکرد تعدیل تدوین شد. فرآیند تثبیت اقتصادی در برنامه دوم توسعه نهادینه شد. محتوای طراحان برنامه اول و دوم توسعه نشان می‌دهد که برنامه تعدیل اقتصادی سهم بالایی در تدوین این برنامه‌ها داشته است. سیاست تعدیل دولت هاشمی رفسنجانی بر رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بود و دولت در اجرای این برنامه از رویکرد توزیع به سمت رویکرد تولیدی گرایش یافت

ب- خصوصی سازی: یکی دیگر از مهمترین برنامه‌های اقتصادی دولت هاشمی در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری سیاست خصوصی‌سازی در کشور بود. سیاست خصوصی‌سازی به عنوان بخشی از یک سیاست گسترده تعدیل اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی از طرف تعداد معدودی کشور صنعتی به اجرا گذاشته شد و به سرعت به سایر کشورها و اقتصادها از جمله اقتصادهای در حال گذار سرایت کرد. سیاست خصوصی‌سازی به منظور ارتقای کارایی تقویت مکانیزم کاهش مداخله دولت در اقتصاد کاهش زیان شرکت‌های دولتی بهبود توزیع درآمد و ارتقای محصول به اجرا گذاشته شد و آثار مثبت آن معمولاً به شکل افزایش کارایی بهبود وضع مالی دولت گسترش بازارهای مالی کاهش اندازه دولت افزایش تولید و بهبود توزیع درآمد و ثروت در جامعه ظاهر می‌شود (مهربانفر، ۱۳۹۵: ۲۰). در ایران خصوصی‌سازی همزمان با آغاز برنامه توسعه اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی اول کشور در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درآمد. بر مبنای برنامه اول توسعه مقرر شد ۳۹۷ شرکت زیر مجموعه وزارت صنایع و سایر وزارتخانه‌ها به بخش خصوصی واگذار شود. و این واگذاری‌ها به سه روش بورس مزایده و مذاکره صورت گرفت. که این قانون موجب افزایش واگذاری‌ها شد (سازمان برنامه و بودجه کشور ۱۳۸۱)

رویه‌مرفته در دولت سازندگی با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی همه شاخص‌های اقتصادی طبق آنچه انتظار می‌رود رخ نداد. وابستگی عمده اقتصاد ایران به نفت افزایش حجم دولت و ناتوانی در رسیدن به اهداف تعیین شده در برنامه توسعه اعطای گزینشی یارانه‌ها و عدم شناخت درست از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور نبود زیرساخت‌های لازم تأکید یکجانبه به اجرای سیاست‌ها بدون توجه به پیامدها و حرکت برای ورود به اقتصاد جهانی و پیامدهای منفی به جا گذاشته است. این سیاست‌ها به علت عدم کارشناسی خسارت زیادی را بر جامعه متوسط و فقیر تحمیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامد منفی این سیاست‌ها افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به بیش از ۴۹ درصد رسید و دولت سازندگی بیشترین نرخ تورم اقتصادی ایران را تا قبل از دولت روحانی برای خود ثبت کرد. همچنین کم‌توجهی به

بخش کشاورزی و اولویت به بخش صنعت مونتاژ ابزارآلات کشاورزی تا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافت و موجبات نارضایتی بیشتر کشاورزان و کاهش تولید در این بخش گردید. صادرات و واردات بی‌رویه آزادسازی در بخش خارجی و قدرتمند شدن دلار در مقابل ریال و رفع محدودیت‌های صادرات در دوران تعدیل اقتصادی باعث تشویق صادرات اما به شکل نسنجیده گردید. در آن دوره به گونه‌ای که گسترش صادرات صورت گرفت که بخش عظیمی از نیروی مولد به سوی واردات و صادرات روی آوردند که فشار قابل توجهی روی قیمت‌های داخلی وارد آمد کیفیت کالاهای صادراتی نیز کاهش پیدا کرد. از طرفی بخش عظیمی از منافع حاصل از صادرات به جیب قشر خاصی از دلان و واسطه می‌رفت. گسترش روحیه مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی فرهنگ لوکس‌گرایی جایگزین ضروری‌گرایی شد. واردات مدرن‌ترین اتومبیل به عنوان کالاهای لوکس خارجی ایجاد نمایشگاه بین‌المللی اتومبیل و سایر کالاهای مدرن ساخت برج‌ها و رستوران‌های مجلل و هتل‌های چند ستاره و امثال آن نشان عزم دولت در تقویت رفاه طلبی بود. عدم تحقق عدالت اجتماعی عدالت اقتصادی نسبت به دوره جنگ بدتر شده بود هزینه‌های زندگی به میزان زیادی افزایش پیدا کرده بود و در ابتدا دولت پنجم تا پایان دولت ششم هزینه‌ها حدود ۸ برابر شده بود. با توجه به وضعیت اشتغال کارگر و کارمند بودن بخش وسیعی از جامعه امکان پوشش راحت این هزینه‌ها وجود نداشت. خصوصی‌سازی در بهداشت و آموزش جامعه را به سوی طبقاتی شدن بیشتر سوق داد ایجاد مدارس غیرانتفاعی بخش خصوصی و میزان زیادی از لحاظ آموزش زمینه بی‌عدالتی را فراهم آورده بود.

جدول شماره ۱: آمارشاخص اقتصادی دولت سازندگی

ردیف	شاخص های مهم اقتصادی درشکاف طبقاتی	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
۱	رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۹	۱۴/۱	۱۲/۱	۴	۱/۵	۱/۵	۲/۹	۶/۱
۲	رشد سرمایه گذاری	۷/۴	۱۳/۸	۶۴/۴	-۳/۵	-۱۰/۳	-۱۴/۲	-۴/۵	٪۲۵
۳	نرخ تورم	۱۷/۳	۸/۹	۲۰/۷	۲۴/۴	۲۲/۶	۳۵/۲	۴۹/۴	۲۳/۲
۴	نرخ بیکاری	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹/۱
۵	ضریب جین	۴۰/۹۲	۳۹/۶۹	۳۹/۹۶	۳۸/۷۰	۳۹/۷۶	۳۹/۹۳	۴۰/۷۴	۳۹/۱۰
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۷/۶۰	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۵/۹	۱۶	۱۵/۷	۱۶/۱	۱۴/۵

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

رویکرد اقتصادی: با روی کارآمدن دولت خاتمی نگرش جدیدی بر فضای کشور حاکم شد. رویکرد کلی و تفکر حاکم بر این دولت توسعه سیاسی و فرهنگی و بر این باور استوار بود. که لازمه دستیابی به توسعه فراهم شدن توسعه سیاسی و ارتقاء فرهنگ آن کشور است. شعار دولت خاتمی اصلاح وضع موجود بر اساس ظرفیت‌های مندرج در قانون اساسی بود. خاتمی معتقد بود که تاریخ انقلاب اسلامی به سه دوره تقسیم می‌شود که هر دوره مقتضیات خاص خود را داشته است: دوره اول دوره تلاش برای حفظ انقلاب و نظام است که اوج آن جریان جنگ تحمیلی بود. و دوره دوم تعیین جهت آینده نظام و انقلاب است که بعد از جنگ شروع می‌شود و گرایش به آبادانی و سازندگی دارد. و دوره سوم تثبیت نظام است و دوم خرداد از بارزترین نشانه‌های اعلام شروع این دوره می‌باشد. آقای خاتمی اعتقاد داشت اصلاحات ریشه در اصول قانون اساسی دارد که مفعول مانده و باید آنها را احیا کرد. دولت خاتمی در عرصه اقتصادی تاکید بر رشد و عدالت و شفاف‌سازی و قانون‌گرایی داشت لذا این دولت را گفتمان اصلاحات نامید. اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۶ از مشکلات متعددی رنج می‌برد. آقای خاتمی وضعیت اقتصادی کشور را بیمار توصیف کرد و اعلام نمود تا این بیماری به صورت اصولی درمان نشود. مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود. رویکرد دولت جدید در مجموع مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی از دولت سازندگی بود. دولت طرح ساماندهی اقتصادی کشور را که نوعی مهندسی مجدد ساختار اقتصادی ایران بود در دستورکار قرارداد. محورهای ساماندهی اقتصاد ایران اصلاح ساختارهای اقتصادی نظیر لغو انحصارات اقتصادی از قوانین و مقررات بازدارنده برای تولید و سرمایه‌گذاری اصلاح ساختار بودجه عمومی دولت و کاهش وابستگی شدید آن به درآمد صادرات نفت خام تامین اجتماعی تامین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید و شکوفایی اقتصادی بهبود بخشیدن به تراز پرداخت ارزی کشور قرارداد. بر اساس این رویکرد توجه به عدالت اجتماعی و صیانت از مردم و گروه‌های کم درآمد همسو با تلاش برای رشد اقتصادی از سوی دولت باید پیگیری می‌شد (فوزی، ۱۳۹۶: ۸۵-۸۲). بنابراین دولت در سال‌ها تلاش کرد تا در ابتدا طرح ساماندهی اقتصادی را به پیش ببرد و سپس تمرکز خود را به پیشبرد برنامه سوم قرار داد. در چارچوب این برنامه توجه به ضرورت‌ها و نیازها و چالش‌های جامعه و ترسیم افق‌ها و چشم اندازهای کشور در دهه سوم انقلاب ترسیم شد. مهمترین ویژگی برنامه سوم در دولت خاتمی تلاش در فراهم ساختن الزامات تحقق توسعه پایدار بود و با راهبرد اطلاعات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه رقابتی از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامعه تامین اجتماعی اصلاحات قانونی و لغو انحصارات و مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی دولت ایجاد سالانه بیش از ۸۴۵ هزار فرصت شغلی برای جمعیت جوان و تحصیل کرده طراحی و تدوین شد. (دادگر، ۱۳۸۹: ۱۷)

نتایج مهم اقدامات دولت خاتمی اصلاح نرخ ارز و اجرای سیاست یکسان‌سازی آن و جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع غیرتعرفه‌ای فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها تاسیس بانک‌های خصوصی داخل و بانک‌های خارجی در مناطق آزاد به همراه تقویت بازار بورس و نظام مالی غیربانکی به منظور انحصارزدایی از شبکه بانکی قانون جدید مالیاتی و قانون تجمیع عوارض حذف و ایجاد بیمه خصوصی و ایجاد حساب ذخیره ارزی که برای تحکیم بنیان‌های تولید و سرمایه‌گذاری قدم‌های مهمی بود. ایجاد حساب ذخیره ارزی حاصل از صادرات نفت خام اصلاح ساختار بودجه به منظور کنترل نوسان‌های درآمد نفتی. در این دوران محدودیت‌های مالی دولت و موانع دیگر مانع اقدام اساسی این دولت در پیشبرد

تغییرات ساختاری گسترده در حوزه اقتصادی شد و شاخص‌های مرتبط با توزیع عادلانه ثروت و ضریب جینی و سهم دهک‌های پایین نسبت به دهک‌های بالا بهبود نیافت. تداوم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی و روند کند خصوصی سازی کسری بودجه دولت ضعف دولت در زمینه لغو انحصارات و رواج بازار قاچاق و بازار غیر رسمی ارز در مجموع دولت خاتمی نتوانست گامی در رفع یا کم کردن شکاف طبقاتی در جامعه بردارد و به نوعی تداوم شکاف طبقاتی دولت قبلی در این دوران ادامه یافت.

۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	شاخص های مهم اقتصادی برشکاف طبقاتی	ردیف
۴/۸	۶/۸	۷/۶	۳/۳	۵/۰	۱/۶	۲/۹	۲/۸	رشد تولید ناخالص داخلی	۱
۷	۱۰/۸	۱۲	۱۴/۲	۴/۱	۵/۸	۳/۲	۱۲/۵	رشد سرمایه گذاری	۲
۱۵/۲	۱۵/۷	۱۵/۸	۱۱/۴	۱۲/۶	۲۰	۱۸/۱	۱۷/۳	نرخ تورم	۳
۱۰/۳	۱۱/۸	۱۲/۸	۱۴/۲	۱۴/۳	۱۳/۵	۱۲/۵	۱۳/۱	نرخ بیکاری	۴
۳۹/۹۶	۴۱/۵۶	۴۱/۹۱	۳۹/۸۵	۳۹/۹۱	۴۰/۹	۳۹/۶۵	۴۰/۲۹	ضریب جینی	۵
۱۴/۶	۱۶/۲	۱۶/۹	۱۴/۴	۱۵	۱۵/۴	۱۴/۲	۱۵/۷	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۶

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

۶- دوره مهرو عدالت

رویکرد اقتصادی: رویکرد دولت احمدی نژاد در دوران ریاست جمهوری را می توان نوعی رویکرد متفاوت در مقایسه با رویکرد بروکراتیک دولت هاشمی و رویکرد اصلاح طلبانه دولت خاتمی دانست. این رویکرد از یک سو دارای وجه سلبی مبتنی بر نفی تجربه تاریخی دولت های گذشته بود. تاکید بر عدالت یکی از شعارهای محوری دولت بود که حرکت به سوی تحقق عدالت در دولت های قبلی را فراموش شده می دانست و باید در دولت جدید احیا شود. احمدی نژاد اجرای عدالت را توزیع مناسب و عادلانه منابع ثروت ها و امکانات کشور و رفع مشکلات و اصلاح عقب ماندگی های تاریخی برخی از مناطق کشور ایجاد فرصت های برابر اشتغال و مبارزه با فساد و تبعیض می دانست. احمدی نژاد در نقد عملکرد اقتصادی دولت های گذشته مبانی برنامه های توسعه در کشور در دوران بعد از جنگ را زیر سؤال می برد و آن را الگوی تقلیدی از نظام سرمایه داری و بانک های جهانی می دانست که نتایج اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نامطلوبی برای کشور به بار آورده است. براین اساس احمدی نژاد ساز و کارهای برنامه چهارم توسعه را که در زمان دولت خاتمی طراحی و به وسیله مجلس به تصویب رسیده بود را متناقض می دانست لذا دولت نهم با اصلاح مواردی از برنامه چهارم توسعه و با تایید مجلس برنامه های جدید به نام طرح تحول اقتصادی را مطرح ساخت هدف این برنامه گسترش عادلانه منابع کشور در بین اقشار و مناطق مختلف و اصلاح ساختارهای موجود اقتصادی عنوان شده بود. رویکرد این طرح اولویت به چند موضوع کلیدی در حوزه اقتصاد از جمله اصلاح نظام بانکی اصلاح یارانه ها اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی اصلاح نظام توزیع بود. در این راستا دولت از همان ابتدا برنامه خود را در راستای توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها برای همه به خصوص اقشار محروم اجرا کرد که می توان به تاسیس صندوق مهر امام رضا علیه السلام طرح بنگاه های زودبازده طرح مسکن مهر توزیع سهام عدالت و طرح هدفمندی یارانه ها اشاره کرد.

الف- هدفمندی یارانه ها: در طرح هدفمندی یارانه ها حق برخورداری همگان از فرصت ها و بهره مندی آحاد جامعه در حد کفاف مطرح می شود. دو عنصر اساسی این برنامه در چارچوب اولین گام برای تحقق عدالت و مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت ها و منابع و امکانات عمومی به نفع فقرای واقعی و

محرومین جامعه است. یکی از بی‌عدالتی‌ها که در نظام صورت گرفته اعطای نابرابر یارانه‌ها به آحاد جامعه است. (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳)

از جمله امکاناتی که سال‌ها دهک‌های بالای جامعه به مراتب بیشتر از فقرای جامعه از آن بهره‌مند بودن یارانه‌های حامل انرژی است. با آنکه سالانه بخش قابل توجهی از بودجه سالانه دولت به یارانه‌ها اختصاص می‌یابد اما در بسیاری از موارد گروه‌های مستحق را هدف قرار نداده و اقشار مرفح به نسبت مصرف بیشتر بهره بیشتری از یارانه‌ها می‌برند که موجب نوعی بی‌عدالتی در تخصیص منابع عمومی شده است. در تحول اقتصادی دولت نهم و دهم که در هفت حوزه اقتصادی از جمله هدفمندکردن یارانه‌ها به اجرا درآمد دکتر احمدی‌نژاد در گفتگو با رسانه‌ها هدف از اجرای این طرح را چند مورد مهم و حائز اهمیت دانست اول مدیریت منابع عمومی دوم کاهش فاصله طبقاتی سوم توزیع عادلانه یارانه‌هایی که نظام و دولت به مردم می‌دهد به صورت نامتعادل و غیرعادلانه بین اقشار مختلف تقسیم شده است و با هدفمندی یارانه‌ها یک تعادل و عدالت در تقسیم توزیع یارانه‌ها به وجود می‌آید.

(بخشایش، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۲)

ب- مسکن مهر: دومین طرح جامع دولت نهم و دهم در رفع شکاف طبقاتی طرح مسکن بود. مسکن مهر همواره یکی از نیازهای اولیه و اساسی در هر جامعه محسوب می‌شود. تا کنون برنامه‌های متفاوتی با عنوان رفع معضلات بخش مسکن در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است (فرهاد خواه، ۱۳۹۲: ۳۱) رویکرد دولت نهم و دهم در بخش مسکن با سیاست‌هایی مانند زمین صفر دنبال شد و با قوانینی همچون لایحه ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و راهکارهای اجرایی مانند طرح مسکن مهر انجامید. مسئولان این طرح عقیده داشتند با حذف زمین از هزینه ساخت و پررنگ کردن نقش دولت و علاوه بر افزایش پاسخگویی برای تقاضای مسکن در سا‌های آتی قیمت مسکن نیز کاهش خواهد یافت. طرح مسکن طرحی است که در قالب واگذاری حق بهره برداری از زمین برای ساخت مسکن و حذف هزینه زمین از قیمت تمام شده در ساختمان با انطباق با توان مالی خانواده‌های کم درآمد و میان درآمد در نظر گرفته شد در اهداف مسکن مهر کمک به تامین مسکن اقشار کم درآمد و تقاضای کمی و کیفی تولید و عرضه مسکن کاهش نابرابری در برخورداری از مسکن مناسب و جلوگیری از توسعه حاشیه نشینی و ارتقاء عدالت اجتماعی دیده شده است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۸)

به طور کلی در دولت احمدی‌نژاد سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای دغدغه عدالت خواهانه و دفاع از محرومان و تلاش برای توزیع عادلانه طرح فرصت‌ها و امکانات برای همه مناطق کشور با انجام پروژه‌های عمرانی گسترده در شهرها و مناطق محروم کشور ادامه یافت. در این دوران اقدامات زیادی برای کمک به اقشار نیازمند جامعه و مناطق محروم از طریق توزیع یارانه و ساخت صد هزار واحد مسکونی ارزان قیمت برای مردم کم درآمد به نام مسکن مهر و اعطای وام ازدواج و قرض‌الحسنه به نیازمندان اعطای وام‌های کم بهره به روستاییان و توزیع سهام عدالت و عدالت توزیعی برای هدفمند کردن یارانه‌ها و سهمیه‌بندی سوخت صورت گرفت. در این دوران برخی شاخص‌ها همچون رشد تولید ناخالص ملی و رشد سرمایه‌گذاری و نرخ تورم که در این دوره بسیار متغیر بود. در نهایت به ۳۹ درصد رسید وضعیت مطلوبی نداشته است و همچنین واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی با اتکا به دلارهای نفتی کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار و اختلال در بانکداری رشد مفاسد اقتصادی ناشی از برخی از سیاستهای رانت خیز گردید.

در مجموع در مورد شکاف طبقاتی طرح‌هایی همچون بنگاه‌های کوچک زود بازده صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی صندوق مهر امام رضا و بانک تعاون در این کاهش موثر بوده است و ضریب جینی در این دوره نسبتاً بهبود یافته است که در یکی از دلایل مهم آن را باید در توزیع یارانه به اقشار کم درآمد و سیاست عدالت توزیعی دولت و رسیدگی به مناطق پیرامونی کشور دانست.

جدول شماره ۳: شاخص آماردولت عدالت محور

ردیف	شاخص‌های مهم اقتصادی بر شکاف طبقاتی	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
۱	رشد سرمایه گذاری	۸/۷	۳	۶/۶	۱۰/۹	-۰/۹	۶/۹	۱/۲	
۲	نرخ تورم	۱۰/۳	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۵	۱۰/۸	۱۲/۴	۲۱/۵	۳۰/۵
۳	نرخ بیکاری	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۲/۳	۱۲/۲
۴	رشد تولید ناخالص ملی	۶/۹	۶/۶	۵	۰/۸	۳	۵/۸	۳	-۱/۹
۵	ضریب جینی	۴۰/۲۳	۴۰/۰۴	۴۰/۴۵	۳۸/۵۹	۳۹/۳۹	۳۸/۱۳	۳۶/۴۳	
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۴/۵	۱۴/۹	۱۵/۲	۱۳/۵	۱۴/۱	۱۳/۱	۱۰/۲۶	

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

۷- دوره تدبیر و امید

رویکرد اقتصادی: دولت روحانی پس از پیروزی کوشید با حمایت از اعتدال‌گرایان خود را اعتدال‌گرا معرفی کند و با شعار دولت تدبیر و امید اعتدال‌میلنه‌روی قانون‌گرایی و تعامل سازنده با جهان وارد صحنه شد. اعتدال‌گرایی که می‌توان آن را نوعی تفکر واقع‌گرا و محافظه‌کار نامید و شعار اعتدال‌گرایی گرایش سیاسی اجتماعی است که سعی دارد شکاف بین اصول‌گرایان و اصلاح طلب را تا حدی و به شکل قطعی برطرف کند. با توجه به این پیشینه روحانی خود را فردی اعتدال‌گرا می‌دانست که با آدماي تندرو و افراطی میانه‌ای نداشت و خط اعتدال را جایگزین افراد نمایند. به بیان دیگر دولت اعتدال‌پیر و تفکری محسوب می‌شد که بعد از پایان جنگ در کشور حاکم شد. روحانی معتقد بود هشت سال سخت دولت محمود احمدی‌نژاد گذشته بود و بسیار امیدوار بود که دولت جدید شرایط را تغییر دهد و شرایط اقتصادی هم شرایط سیاست بین‌الملل او کارش را با چند شعار آغاز کرد. اقتصاد آزاد و بها دادن به بخش خصوصی بهبود و فضای کسب و کار سوم آغاز مذاکراتی که سبب شود هم چرخ سانتریفیوژها بچرخد و هم چرخ زندگی مردم.

محوریت برنامه‌های روحانی ایجاد گشایش اقتصادی و برقراری تعامل سازنده با کشورهای دنیا و رفع تحریم‌ها بود. شعار اصلی او در این زمینه نجات اقتصاد کشور بود. روحانی وعده داده بود که علاوه بر داشتن برنامه چهارساله اقتصادی یک برنامه ۱۰۰ روزه برای ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی مردم هم

دارد و دولت تدبیر و امید به دنبال این است که آن چنان مردم را از درآمد سرشار کند که اصلاً به یارانه ۴۵ هزار تومانی نیاز نداشته باشد و به جای اینکه مردم دست به سوی دولت دراز کنند دولت به سوی مردم دست دراز کند. وی معتقد بود حل بحران هسته‌ای و چالش‌های سیاست خارجی با استفاده از پتانسیل کارشناسی کشور و پایبندی به برنامه‌های توسعه می‌شود وضعیت کشور را بهبود بخشید. لذا بازگشت ریل حرکت دولت و برنامه‌های توسعه و قوانین بالادستی کشور را از جمله برنامه‌های اصلی خود برای بهبود کشور می‌داند. اما در عین حال تقویت تعامل با کشورهای مختلف با تمرکز بر تنش‌زدایی بین ایران و غرب مخصوصاً حل مسئله هسته‌ای ایران از طریق مذاکره در عرصه خارجی را مهمترین پروژه دولت خود برای پیشبرد امور می‌داند (فوزی، ۱۳۹۶: ۲۵۱) وی معتقد بود که فشارهای تحریم‌های اقتصادی خارجی بر ایران از سه راه اقتصاد رابرای ایران تنگ کرده است. لذا راه‌حل ایشان برای مشکلات اقتصادی با استفاده از نیروهای متخصص و معتدل ریل اقتصاد را به جای خود برگرداند و با یک دیپلماسی فعال و حل بحران هسته‌ای زمینه را برای رشد اقتصادی تقویت کند. تولید و صادرات تقویت کند. و بر این اساس وی تلاش برای رفع بحران‌های تورمی و رفع موانع تولید و تلاش برای شفافیت اقتصادی و تقویت بخش خصوصی و احیای سازمان برنامه و بودجه را به عنوان مهم‌ترین رویکرد اقتصادی خود مطرح کرد و همچنین بازگشت به پایبندی به برنامه‌های توسعه کشور را از اولویت‌های خود ذکر کرد و تلاش کرد تا فعالیت‌های دولت در زمینه اقتصادی در آغاز با برنامه پنجم توسعه کشور که از سال ۹۰ در دولت احمدی‌نژاد آغاز شده بود هماهنگ شود و در مرداد ۹۵ برنامه ششم توسعه را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد که اجرای آن به دور دوم ریاست جمهوری روحانی موکول شد.

در مجموع مهمترین موفقیت دولت روحانی کاهش نرخ تورم تا زیر ۸ درصد و ایجاد نظم و ثبات نسبی اقتصادی بود. لذا باید کارنامه دوران اول ریاست جمهوری دولت روحانی را در عرصه ایجاد ثبات اقتصادی بازگشت به برنامه محوری ثبات سیاست‌های اقتصادی تلاش برای رفع نسبی مبانی صادرات اقتصادی و ارتباطات اقتصادی بین‌المللی مثبت ارزیابی کرد هر چند تداوم رکود اقتصادی رشد بیکاری تعطیلی کارگاه‌های تولیدی عدم رشد مناسب تولید داخلی ضعف در مبارزه با قاچاق کم توجهی به مناطق محروم و افزایش فاصله طبقات فقیر و غنی بود. ضریب جینی در سال ۹۲ معادل ۳۶۵ درصد بود که در سال ۹۶ به رقم ۳۹۸ درصد افزایش یافت که نشان دهنده رشد مجدد افزایش فاصله طبقاتی در این سال‌ها است. سهم هزینه دهک‌های مختلف بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نسبت به متوسط هزینه خانوار در دهک دهم به دهک اول سهم ده درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها از ۱۰/۶۸ در سال ۱۳۹۲ به ۱۳/۶۵ در سال ۹۶ افزایش یافت که حکایت از بدترین توزیع درآمد دارد. در واقع خانوارها در دهک اول درآمدی در سال ۱۳۹۶ معادل ۱۳/۶۵ برابر دهک پایین هزینه کرده‌اند.

جدول شماره ۴: شاخص آماردولت تدبیر و امید

ردیف	شاخص‌های مهم اقتصادی برشکاف طبقاتی	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
۱	رشد سرمایه‌گذاری	-							
۲	نرخ تورم	۴۰/۱	۲۴	۱۵/۸	۸	۸/۳			
۳	نرخ بیکاری	۱۰/۳	۱۰/۶	۱۱	۱۲/۲	۱۱/۹			

۴	رشد تولید ناخالص داخلی	-۱/۹	۳	۱	۸/۳	۴/۷		
۵	ضریب جینی	۳۶/۵۰	۳۸/۷۰	۳۸/۵۰	۳۹	۳۹/۸۰		
۶	نسبت هزینه ده درصد ثروتمند به ده درصد فقیر	۱۰/۶۸	۱۲/۲۳	۱۲/۵۶	۱۲/۹۹	۱۳/۶۵		

منبع: آمار بانک مرکزی ایران. گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۱۶۲ و مرکز آمار ایران

نتیجه‌گیری

امروز فقر و نابرابری و شکاف بین طبقات به وجود آمده در ایران به صورت یکی از چالش‌های مهم اقتصادی اجتماعی و سیاسی در آمده است. اقشار محروم از این وضعیت در رنجند و تورم لحظه‌ای و افسار گسیخته شده در برنامه‌های دولت‌ها هیچ مکانیسم دفاعی برای اقشار ضعیف در نظر گرفته نشده است. مردم نارضایتی و بی‌اعتمادی خود را به سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده دولتها در زمینه مبارزه با فقر و فساد مالی کاهش نابرابری‌های اجتماعی نشان داده‌اند. در چهاردهم گذشته صرف نظر از زمان جنگ که به دلیل مشکلات خاص انقلاب و جنگ نتوانستند تحول ساختاری مهمی را در عرصه اقتصادی و رفع شکاف و نابرابری طبقاتی به جا بگذارند دولت‌های بعدی نتوانستند رشد اقتصادی مستمر و پایدار را پیگیری کنند و نرخ تورم و بیکاری ضریب جینی وضعیت با ثبات مثبتی را در بسیاری از مقاطع مختلف بدست آورند. به طور مثال در دولت هاشمی در پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی که به موجب کاهش کنترل‌های دولتی تقویت خصوصی‌سازی اقتصادی اصلاح نظام ارزی کشور معقول کردن نرخ ارز اصلاح سیاست‌های پولی و جذب و هدایت نقدینگی جامعه افزایش تولید اصلاح سیاست‌های درآمدی به منظور افزایش سطح درآمد عمومی مورد تصویب قرار گرفت. بدلیل عدم شناخت درست ظرفیت‌های و قابلیت‌های کشور آنچه انتظار می‌رفت رخ نداد. عدم کارشناسی خسارت زیادی بر جامعه فقیر و متوسط تحمیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامدهای منفی این سیاست‌ها سبب تورم زیاد و پر نوسانی در جامعه شد. این تورم نابرابری در توزیع ثروت و درآمد فشار اقتصادی بر اقشار کم درآمد تشدید شد. نرخ تورم در سال ۱۳۶۸ معدل ۱۷/۳ درصد بود که در سالهای بعد ۴۹/۴ را هم تجربه کرد. ضریب جینی به ۴۰/۷۴ رسید یا اینکه نتایج سیاست‌های اقتصادی در دولت خاتمی عدالت و توزیع درآمد نسبت دهک بالا به دهک پایین جامعه و ضریب جینی در این دوران کاهش جدی نیافت که نشان دهنده تداوم شکاف طبقاتی در این دوران است. در مقطعی دیگر در دولت احمدی‌نژاد سیاست‌های اقتصادی کشور در راستای دغدغه عدالت خواهانه و دفاع از محرومان و تلاش برای توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات برای همه مناطق کشور در شهرها و مناطق محروم کشور ادامه یافت در این دوره اقدامات زیادی برای کمک به اقشار نیازمند جامعه و مناطق محروم از طریق یارانه و ساخت صدها هزار واحد مسکونی ارزان قیمت برای مردم کم درآمد ساخته شد هرچند که در این دو دوره به دلیل رشد نقدینگی و استقراض سنگین از بانک مرکزی و پرداخت تسهیلات بی‌رویه به مردم نرخ تورم متغیر بود و در سه سال آخر افزایش زیادی داشته و در نهایت به ۳۹٪ رسید ولی باعث شد ضریب جینی نسبتاً بهبود یافته که یکی از دلایل مهم در توزیع یارانه‌ها به اقشار کم درآمد. سیاست عدالت توزیعی دولت و رسیدگی به مناطق پیرامونی کشور بود. سیاست‌های تشدید کننده شکاف طبقاتی دولت روحانی توقف یا کند شدن اجرای طرح‌های حمایتی

دولت قبل از قبیل مسکن مهر و توزیع نا عادلانه ارز ۴۲۰۰ تومانی به بهانه کنترل قیمت ارز و مهار تورم در این دوره و دستوری کردن نرخ ارز و توزیع میان افراد خاص برای تامین نیازهای وارداتی کشور در این دوره و تعلق در اصلاح ساختار مالیاتی کشور از فرار مالیاتی گسترده تأثیرات زیادی بر قشر متوسط و فقیر جامعه به جا گذاشت به نحوی که در سال ۹۲ ضریب جینی معادل ۳۶/۵۰ بود و در سال ۹۹ معادل ۴۱/۵۰ که نشان دهنده رشد مجدد افزایش فاصله طبقاتی در این سال‌ها است. با توجه به وضعیت شکاف طبقاتی در کشور به این نتیجه رسیدیم که چالش‌های عینی زیادی فراروی دولت‌ها در کشور در راه تامین رفح نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد هرچند باید در تعمیم مشکلات دقت نمود اما به نظر می‌رسد دولت‌ها بعد از انقلاب اسلامی به دلیل نداشتن برنامه مدون در برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور که رفع شکاف طبقاتی جزئی از این برنامه‌ها است در فضایی غیر علمی غیر منسجم و فاقد اهداف بلند مدت تعریف شده است و بعلاوه پنج ساله بودن برنامه‌ها و تداخل در دولت بعدی نظارت بر برنامه از دولت به دولت دیگر تغییر کرده و جدی انگاشته نشده یا متوقف شده و متناسب با دیدگاه‌های فردی سازمانی دولت‌های مختلف به اهداف توجه شده است و در حل مشکلات ابتلا به نوعی روزمرگی در اداره کشور هستند بنابراین دقت و مطالعه بیشتر در این زمینه و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منابع

- احمدی، مهدی (۱۳۹۷). انقلاب و نفت و روایت وزیران جمهوری اسلامی از اقتصاد سیاسی نفت، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بخشایش، فاطمه سادات (۱۳۹۷). دولت بهار تهران: انتشارات شابک.
- دادگر، حسن (۱۳۸۵). اقتصاد ایران قبل و بعد انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). آناتومی جامعه یا سته الله مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات کاوه.
- زند وکیلی، مهدی (۱۳۹۷). چگونه با اقتصاد ایران آشنا شویم، قم: انتشارات یاس بخشایش.
- علی بابایی، داود (۱۳۹۴). تاریخ هشت ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد جلد اول، تهران: انتشارات امید فردا.
- علی اکبری، محمد (۱۳۹۵). رفاه اجتماعی در ایران معاصر تهران: انتشارات موسسه عالی پژوهش اجتماعی.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۶). اقتصاد ایران امروز، تهران: انتشارات نشر نی.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۶). اقتصاد و دولت در ایران. پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۱). آزاد سازی و عملکرد اقتصادی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

- فوزی، یحیی (۱۳۹۶). تحولات سیاسی- اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۶، تهران: انتشارات سمت
- کاری، محمدرضا؛ ابراهیم نیا، حسین (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی طبقات در ایران شکاف‌ها و تضادها، تهران: انتشارات آثار فکری.
- کیانپور، سعید (۱۳۹۹). اقتصاد ایران، همدان: انتشارات فراگیر حکمتانه.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی ایران دوران معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نوربخش، بهمن (۱۳۹۵). مسایل توسعه در دولتهای رانتیرو توسعه گرا، قم: انتشارات آتریس.
- احمدی، علی؛ مهرگان نادر (۱۳۸۴). «تاثیر سیاست‌های تعدیل ساختاری بر توزیع درآمد در ایران» مجله تحقیقات اقتصادی شماره (۷۰) ص ۲۳۲-۲۰۹.
- باقری دولت آبادی علی (۱۳۹۵). «توسعه محوری در دولت سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران» نشریه دولت پژوهی سال دوم شماره (۶) ص ۱۷۶-۱۳۴.
- جلالی، محسن (۱۳۸۷). «بررسی ویرآورد ضریب جینی در ایران» فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال دوازدهم شماره (۳۶) ص ۱۳۴-۱۱۵.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۶). «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب» فصلنامه سیاست شماره (۲) ص ۱۱۳-۸۹.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). «سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران» انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خدابخشی، لیلا (۱۳۹۷). «مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با حسن روحانی» فصلنامه راهبرد سیاسی سال دوم شماره (۷) ص ۹۹-۱۱۲.
- خلیلی، احمد (۱۳۹۴). «ارزیابی سیاست مسکن مهر در ایران و آرایه راهکارهایی برای بهبود آن» فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری شماره (۱۳) ص ۱۰۵-۸۳.
- داودآبادی، مهدی (۱۳۹۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۹). «شکاف درآمدی دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار مطالعه موردی ایران» فصلنامه راهبرد شماره (۵۷).
- فضلی‌نژاد، سیف‌الله؛ احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹). «اقتصاد رانتی ایران و راههای برون رفت از آن» مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۸). «آثار اقتصادی اجتماعی تورم در ایران» نشریه تامین اجتماعی شماره ۲: ص ۳۷۹-۳۷۱.
- مهربانی، وحید (۱۳۸۹). «تاثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران» مجله تحقیقات اقتصادی شماره (۹۰) ص ۲۲۷-۲۰۷.
- مومنی، فرشاد؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). «نفت کیفیت زندگی و توسعه در ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۰» فصلنامه علوم اجتماعی سال ۲۷ شماره (۸۰).

- نیلی، مسعود؛ فرخ بخش، علی (۱۳۷۷) «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد» مجله برنامه و بودجه شماره (۳۴) ص ۲۰۲-۲۲۱.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۹۸). «فقر و نابرابری درآمد در ایران» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال چهارم شماره (۱۷) ص ۳۱۰-۲۳۵.
- یوسفی، احمد علی؛ کریمی، علی اکبر (۱۳۹۷). «توزیع عادلانه انفال و منابع عمومی (مطالعه موردی هدفمندی یارانه‌ها)» نشریه معرفت اقتصاد اسلامی شماره (۱۹) ص ۸۲-۶۵.
- شکوهیار، شیرین (۱۳۹۵). «تأثیر سیاست پولی و مالی بر شاخص توزیع درآمد» چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد برلین آلمان ۱۳۹۵/۴/۱۹.